فهرست مطالب:

اشاره به مباحث قبل: 2

فقه تربیتی 2

1ـ الگوی ساحتی تربیت 2

سؤال: 3

پاسخ استاد: 3

2ـ الگوی نهادی تربیت 3

3ـ الگوی فرایندی تربیت 3

سؤال: 4

پاسخ استاد: 4

جمع بندی کلی مباحث: 5

اصول و روش‌های عام و ساحتی 6

عناصر چهارگانه اصلی تربیت 6

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع:** اصول و روش‌های تربیتی/ مقدمات (الگوهای تربیت)

**اشاره به مباحث قبل:**

در مقدمات بحث از اصول تربیت به نکاتی اشاره شد، مباحث فقه تربیتی طبقه‌بندی‌های مختلف می‌تواند داشته باشد.

**تقسیم بندی مباحث گذشته**

**تعلیم**

آنچه ما بر اساس آن عمل کردیم این بود که یک بخش را اختصاص دادیم به حوزه تعلیم و تعلم. انواع علوم و احکام تعلیم و تعلم آن‌ها که موجب غنا و توسعه فقه می‌شود.

**تربیت**

حوزه دوم، تربیت به معنای خاص و در مقابل تعلیم است، این بحث را می‌توان از چند منظر مورد بررسی قرار داد که می‌تواند برش‌های مختلف داشته باشد:

**1ـ الگوی ساحتی تربیت**

در این نگاه، ساحت‌های تربیت را مد نظر قرار می‌دهند. ساحت‌ها از 4 ساحت تا 14 ساحت گفته شده است. در برخی الگوها‌ سفره‌ی این ساحت‌ها باز است و تا حدود چهارده ساحت رسانده‌اند. این طیف از الگوها در بحث از ساحت‌های تربیت وجود دارد. البته این طیف اختصاص به تربیت ندارد، بلکه در تمام زندگی بشر چنین است.

ما در این برش بعد از آن‌که بحث از تعلیم و تعلم را تمام کردیم، وارد بحث از ساحت‌های تربیت شدیم. تربیت را اگر عام بگیریم که شامل تعلیم و تعلم هم‌ می‌شود.

ما بعد از بحث «تعلیم و تعلم» وارد ساحت‌ها شدیم. از حیث قلمرو تربیت یا مساحت حرکت از این منظر که در جلد اول فقه تربیتی توضیح دادیم. تربیت عبارت است از تحریک؛ مربی حرکت و جنبش ایجاد می‌کند. سیر متربی در ساحت‌ها، حرکت است و مربی محرک است. حرکت متقوم به شش عنصر است که یکی از آن‌ها ساحت‌ها است که بیانگر مسافت می‌باشد.

مقوله‌هایی است که حرکت در آن واقع می‌شود. وجود آدمی در جسمش، در نفسش و ... ساحت‌ها است.

**سؤال:**

ساحت، مساحت حرکت است یا جهت آن؟

**پاسخ استاد:**

جهت‌ها به تفاوت ساحت‌ها فرق می‌کند.

این یک نوع برش زدن است. تحولی که در دانش فرد، بهداشت متربی، اخلاق، امور اجتماعی و اقتصادی و ... وی ایجاد می‌شود، ابعاد و ساحت‌های مختلف تربیت است. به این شکل می‌توان تربیت را سامان داد.

**2ـ الگوی نهادی تربیت**

الگوی دوم، الگوی نهادی است. منظر بحث را از ابعاد حیات متربی تغییر بدهیم به عوامل و نهادهای مؤثر در تربیت. تربیت توسط مربی انجام می‌شود که می‌توان او را نهاد و عامل تربیت در نظر گرفت. مثلاً در بحث از امر به معروف و نهی از منکر، ما مطرح کردیم که امر و نهی خانوادگی، اجتماعی، حکومتی، نخبگانی. تربیت از منظر نهادی، ابعاد مختلف به خود می‌گیرد و فقه تربیت، حکم آن‌ها را بیان می‌کند. در این منظر، محور کار با ساحت‌ها نیست؛ بلکه با نهاد‌ها است. یعنی فرد به عنوان عام، یا به عنوان عضوی از جامعه، یا به عنوان عضوی از حکومت، یا عالم دین بودن و ... مؤثر است. در این منظر خیلی حرف‌ها پیدا می‌شود.

**3ـ الگوی فرایندی تربیت**

منظر سوم، منظر فرایندی است، این عملیات تعلیم وتربیت در درون برنامه «تربیت»، این جزیی از آن برنامه است، کل آن یک برنامه است.

**عناصر چهاگانه تربیت**

در درون برنامه عناصری است که تقریبا همان است که مشهور است:

1. مبانی تربیت
2. اهداف تربیت
3. اصول تربیت
4. روش‌های تربیت

در عملیات تربیت، «اصل» و «روش» مهم‌تر از بقیه است؛ چون خودش دارای مبانی و اهداف است. ذات عمل شیوه‌ها است و این روش‌ها زیر مجموعه قواعد و اصول تربیت است. این چهار عنصر مهم است. این هم یک منظر دیگر در فقه تربیتی است.

می‌شود منظرهای دیگر را هم اضافه کرد از قبیل معدات و موانع. البته معدات و موانع را می‌توان ضمن عوامل بیان کرد و می‌توان جداگانه بیان کرد به اینکه در عوامل به نهادها و افرادی که مستقیم با متربی سروکار دارد، پرداخت و در بخش «موانع» و «معدات» به اموری که غیر متقسیم تأثیرگذار هستند، اشاره کرد.

**سؤال:**

مراحل تربیت چطور است؟

**پاسخ استاد:**

«مراحل» را می‌توان در «فرایند تربیت» گنجاند و می‌توان تفکیک کرد و جدا آورد.

**رابطه تفکیک موضوعات و توسعه فقه**

نکته: این‌ها هم کمک می‌کند که فقه ما مسأله‌دارتر و موسع شود. هر زاویه که وسط میدان بیاید ظرفیت فقه، خوب خود را نشان می‌دهد. در تک منظری‌ها، فقه خوب خود را نشان نمی‌دهد.

نکته اساسی این است که این‌ها (منظرهای مختلف فقه) از هم جدا نیست، جداسازی، فوایدی دارد، ظرفیت‌سازی می‌کند. اما همه الگوها با یکدیگر مندمج است. اصول و روش‌ها با بحث ساحت‌ها را باید باهم ملاحظه کرد.

**جمع‌بندی کلی مباحث:**

برش‌هایی زدیم و طبقه‌بندی داشتیم. این برش‌ها، سفره را باز می‌کند و موجب گسترش فقه می‌شود. در یک نگاه کلان باید همه را جمع کرد و در یک منظومه واحد قرار داد. پس دو دسته اصول و روش داریم: عام و خاص.

در چینش مطالب و موضوعات، می‌توان نگاه‌های مختلف داشت. ما بعد از بحث از تعلیم و تعلم، به ساحت‌ها پرداختیم و مقداری به عوامل و نهادهای تربیت پرداختیم اما بحث آن دو بحش تمام نشد. فعلا (امسال) می‌خواهیم اصول و روش‌های تربیت را با نگاه فرایندی وارد شویم.

پس مسیری که ما طی کردیم، بعد از مباحث مقدماتی و بیان مفاهیم، به تعلیم و تعلم، ساحت‌ها، نهادهای تربیتی پرداختیم و بحث کردیم. الان وارد اصول و روش‌ها می‌شویم. در کتاب‌های تعلیم و تربیت، مدل‌های مختلف وجود دارد. ما هم برش‌هایی زدیم. مثل هر تقسیمی، این تقسیم ما هم با دشواری‌هایی برای نظام دادن به بحث مواجه است. ما هیچ یک از برش‌ها را تکمیل نکردیم. انشاء الله دوستان در تقریر و تدوین مباحث، تکمیل خواهند کرد.

چند جلد در باب تعلیم و تعلم کار شد، البته دوستان می‌گویند حدود 10 جلد که طی آن احکام علوم (تعلیم و تعلم) بیان شده است. این بحث تا حدودی قاعده و استاندارد مشخص دارد و جای بحث کم دارد. بحث بعدی ساحت‌ها بود که وارد شدیم و در هر ساحتی بحث‌هایی مطرح شد.

**اصول و روش‌های عام و ساحتی**

اصول و روش‌ها دو دسته‌اند: اصول و روش‌هایی که مربوط به همه ساحت‌ها و عام است. اصول و روش‌هایی که مربوط به ساحت خاص جاری است. در بحث از ساحت نیز باید مبانی خاص و اصول و روش‌ خاص آن ساحت را ملاحظه کرد.

پس اصول و روش‌های تربیت دو دسته‌اند: 1) عام 2) خاص

که مراد از اصول و روش‌های خاص، آن است که مربوط به ساحت خاص است.

شاید به این نتیجه برسیم که اصول و روش‌ها را به همین دو دسته تقسیم کنیم.

این برش‌ها مقداری روشنگر است و البته مقداری تحیر هم برای شما ایجاد می‌کند.

مقدمه دیگر که گاهی در بعضی جاها، گفته‌ام؛ باز هم تکرار می‌کنم و شاید نکات جدید هم در آن باشد؛ قصه تعریف اصل و روش و تفاوت آن دو با همدیگر است.

**عناصر چهارگانه اصلی تربیت**

تقسیم رباعی (مبانی، اهداف، اصول، روش‌ها) جا افتاده است. تربیت متقوم به چهار عنصر است:

1) مبانی؛ گزاره‌های منطقی و فلسفی و هستی‌شناختی که مبنای بحث است.

2) اهداف؛ جهت‌گیری تربیت است و مبتنی بر مبانی است.

این دو تا، جنبه فلسفی و کلامی دارد.

3) اصول؛

4) روش‌ها؛

اصل و روش جنبه عملیاتی دارند، حال باید دید که اصل چیست؟ روش چیست؟ تفاوت روش با اصل چیست؟ برداشت شما از تعریف این دو چیست؟ روی این دو واژه تامل بفرمایید؛ انشاء الله تا فردا.